

تحلیل و نقد ارزش‌های فرهنگی در مجموعه کتاب‌های درسی

American English File

علی درخشان*

چکیده

با وجود اهمیت تلفیق زبان و فرهنگ، تلاش‌های کمی به‌منظور بررسی و تحلیل ارزش‌های فرهنگی در کتاب‌های درسی آموزش زبان انگلیسی، براساس چهارچوبی مدون انجام گرفته است؛ بنابراین، مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل اکتشافی محتوای کیفی به بررسی کتاب‌های *American English File* (Latham-Koenig et al. 2013) پرداخته است که در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی در ایران تدریس می‌شود. بدین منظور، مدل الگوهای فرهنگی زارعی و خالصی (۲۰۱۱) برای تحلیل محتوای کیفی این مجموعه مورد استفاده قرار گرفت که شامل چهار مؤلفه ارزش، هنجار، سازمان، و محصول است. در مجموع، نتایج نشان داد که کتاب‌های درسی محصولاتی هستند که تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و تعصبات فرهنگی قرار دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که مطالب این کتب مملو از ارزش‌های فرهنگی منحصربه‌فرد جهان غرب هستند که از عمده‌ترینشان می‌توان به روابط دختر و پسر، مصرف‌گرایی، درس‌گریزی، ترویج موسیقی غرب، محصولات غربی، عدم اعتماد زوجین به یکدیگر، ازهم‌گسیختگی بنیان خانواده، و القای ارزش‌های گوناگون غربی اشاره کرد. یافته‌ها مؤید این است که کتاب‌های درسی حاملان ارزش‌ها هستند که نه تنها دانش زبانی، بلکه فرهنگ خاص گویش‌وران آن زبان را نیز به زبان‌آموزان القا می‌کنند. بنابراین، با استناد به نتایج، نقش معلمان زبان در آگاهی، صیانت از هویت فرهنگی و ملی، و ایجاد تعادل برای تلفیق زبان و فرهنگ بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان انگلیسی، ارزش‌یابی کتب، ارزش‌های فرهنگی، القای ارزش‌های فرهنگی، توانش بینا فرهنگی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه گلستان، a.derakhshan@gu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲

۱. مقدمه

از آن‌جاکه زبان انگلیسی به‌منزله یک زبان بین‌المللی استفاده می‌شود، محتوای فرهنگی مطالب آموزش زبان نباید محدود به فرهنگ انگلیسی‌زبانان بومی شود و به‌تبع آن، فرهنگ ضمیمه‌شده در کتب آموزشی نیز باید منعکس‌کننده فرهنگ جهانی باشد (Alptekin 2002; McKay 2004). چراکه واژه «بین‌المللی» بیان‌گر آن است که زبان انگلیسی دیگر متعلق به گروه خاصی از مردم نیست (Brutt-Griffler 2002; Nault 2006). بدیهی است که بخش ضروری یادگیری زبان درک فرهنگی آن زبان است، چراکه رابطه تنگاتنگی بین زبان و فرهنگ وجود دارد (Byram 1997; Peterson and Coltrane 2003; Sharifian and Palmer 2007). به‌عبارت‌دیگر، زبان تجلی‌گاه فرهنگ و ابزاری قدرت‌مند برای انتقال ارزش‌ها و مسائل فرهنگی تلقی می‌شود (Starkey 1999). اما در نظر گرفتن این موضوع مهم است که فرهنگ چیزی بیش از مفاهیمی هم‌چون غذا، تعطیلات، و تاریخ است. فرهنگ فرایندی پویا، خلاقانه، و پیوسته است که شامل عقاید و افکار، رفتارها، هنجارها، مذهب، اصول اخلاقی، ارزش‌ها، و مفاهیم مشترک بین مردم است، که آنان را در مبارزه برای بقا هدایت می‌کند و به زندگی آن‌ها معنا می‌بخشد (Peterson and Coltrane 2003). بنابراین، یادگیری زبان با این‌که دانش واژگانی فرد را افزایش می‌دهد، چیزی بیش از به‌خاطر سپردن قواعد نحوی، ساخت‌شناسی واژگانی، واجی، و دستور زبان است و شامل درک چگونگی تغییرات زبان بسته به زمینه گفت‌وگو و سوابق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سن و جنس شرکت‌کنندگان در رابطه اجتماعی نیز می‌شود (Shaw 1992). فرهنگ با تغییر نامحسوسی که در بافت بیان می‌شود بر زبان تأثیر می‌گذارد (Brogger 1992). براون پیش‌نهاد می‌کند که «فرهنگ بخش ریشه‌دار شخصیت ماست، اما زبان وسیله‌ای برای ارتباط میان اعضای یک فرهنگ قابل رؤیت‌ترین و در دسترس‌ترین نمود فرهنگ می‌باشد» (1994: 170). به‌عبارت‌دیگر، زبان مظهر فرهنگ است. علاوه‌براین، ویلسون ادعا می‌کند که «یادگیری فرایند فرهنگ‌پذیری (enculturation) است: اگر می‌خواهیم یاد بگیریم، باید خود را در فرهنگی جای دهیم که در آن دانستن و یادگیری معنا دارند و چهارچوب‌های مفهومی را نمی‌توان به‌طور معناداری از محیط آن‌ها حذف کرد» (1993: 77). ویلکس (۱۹۸۳) معتقد است که یادگیری هر زبانی سه مؤلفه دارد که عبارت‌اند از مؤلفه زبان‌شناختی، نگرشی، و فرهنگی که مؤلفه فرهنگی به‌دلیل اهمیت و ضرورت تلفیق در کلاس‌های آموزش زبان، بدون شک، یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مسائل آموزشی به‌حساب می‌آید.

جداکردن فرهنگ و بافت از محیط یادگیری به آموزش و یادگیری می‌انجامد. این نتیجه که عاری از عناصر دقیق است به دانش جدید معنا می‌بخشد (Wilson 1993).

اما با توجه به اصول امپریالیسم زبانی، «رونق یادگیری زبان انگلیسی» موجب افزایش علاقه به فرهنگ انگلیسی آمریکایی شده است (Pishghadam and Najji 2012). در واقع، زبان انگلیسی به منزله وسیله‌ای برای سلطه فرهنگی (Derbel and Richards 2007) استفاده می‌شود. این در حالی است که معلمان زبان انگلیسی عمدتاً نگرش مثبتی به فرهنگ آمریکایی دارند و سعی به تقلید از لهجه آمریکایی می‌کنند (Pishghadam and Saboori 2011). آن‌ها معتقدند دانش‌آموزان ایرانی از پذیرش فرهنگ جهانی به جای حفظ فرهنگ محلی حمایت کرده و زبان انگلیسی را تحسین می‌کنند. مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که زبان‌آموزان ایرانی و معلمان زبان انگلیسی فرهنگ انگلیسی را به فرهنگ کشور خود ترجیح می‌دهند (Pishghadam 2011) که نمونه‌ای از امپریالیسم فرهنگی است که فیلیپسون (۲۰۰۹) در مورد آن هشدار می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین راه‌های موجود برای انتقال مؤلفه‌های زبان‌شناختی، نگرشی، و فرهنگی اعم از عقاید و افکار، هنجارها، ارزش‌ها، مذهب، اعتقادات، و اصول اخلاقی در بافت آموزشی مواد درسی و کتب آموزشی هستند. کتاب‌های درسی همیشه حاملان ارزش‌ها بوده و چنان‌که کورتازی و جین (۱۹۹۹) ادعا می‌کنند، کتاب‌های درسی معلمان، منابع، نقشه‌ها، و کارشناسانی هستند که منبع اصلی فرهنگ با جهت‌گیری‌های مختلف‌اند. بنابراین، انتظار می‌رود کتاب‌های درسی به‌طور هم‌زمان بر دانش زبان و فرهنگ مقصد اثر بگذارند. به‌علاوه، کتب آموزشی یکی از وسایل ارتباطی در برنامه آموزشی است که در آن استیلا به‌طور ناآشکار اعمال می‌شود (Moughrabi 2001). بنابراین، برنامه آموزشی ما صرفاً وسیله‌ای برای انتقال دانش نبوده و «بافت برنامه آموزشی صرفاً یک متن نیست، بلکه ابزاری برای اعمال قدرت است» (Da Silva 1999: 7). در واقع، برنامه آموزشی نمایشی قوی و غنی است که به‌طور ضمنی، ایدئولوژی خاصی را اعتبار بخشیده و به گردش درمی‌آورد. بعضی از پژوهش‌گران بر این باورند که کتاب‌های درسی زبان انگلیسی ایران، که وزارت آموزش و پرورش تهیه کرده است، محتوای فرهنگی وجود ندارد و توجه اندکی به توانش بین فرهنگی شده است (Ahmadi Safa and Farahani 2015; Rezaie and Latifi 2015). اما از آن‌جا که از بخش خصوصی آموزش زبان انگلیسی در ایران استقبال می‌شود، تحقیق در مورد این کتاب‌های درسی تلاش‌های انجام‌گرفته را تأیید می‌کند و از آن‌جا که کتاب‌ها مملو از ارزش‌های فرهنگی هستند که می‌توانند ذهن دانش‌آموزان را کنترل کنند و باعث

جهت‌گیری‌های مختلف شوند (Cortazzi and Jin 1999)، اهمیت پژوهش بر روی مؤلفه‌های فرهنگی و ارزشی دوچندان می‌شود.

بسیاری از محققان بر نقش تأثیرگذار فرهنگ در آموزش (Alptekin 2002; Fairclough 1989; van Dijk 1998) و در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی به‌طور خاص تأکید کرده‌اند (Pishghadam 2011; Pishghadam and Saboori 2011; Rezaie and Latifi 2015). در همین راستا، نقش غیرقابل‌انکار فرهنگ در کتاب‌های درسی مورد تأکید بسیاری از محققان قرار گرفته است (Ahmadi Safa and Farahani 2015; Canagarajah 1999; Kortazzi and Jin 1999; Moughrabi 2001; McKay 2004; Tajeddin and Teimournezhad 2015)، اما مطالعات اندکی میزان بار فرهنگی را در کتاب‌های *American English File*، که در آموزشگاه‌های خصوصی تدریس می‌شوند، مورد بررسی قرار داده‌اند.

برای مثال، بحرینی (۲۰۱۳) ارزش‌های فرهنگی را در مجموعه کتاب *Impact Book Series* مورد بررسی قرار داد. بحرینی اذعان داشت که ارزش‌های فرهنگی متعددی در کتب *Impact* به چشم می‌خورد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تبعیض‌های جنسیتی، روابط دختر و پسر، و توجه به مد و زیبایی ظاهری اشاره کرد. هم‌چنین، در مطالعه‌ای دیگر، احمدی صفا و فراهانی (۲۰۱۵) دیدگاه معلمان زبان انگلیسی را در مورد کتاب *پراسپکت ۱* از منظر توانش بینا فرهنگی بررسی کردند. نتایج نشان داد که کتاب *پراسپکت ۱* فاقد توان بالقوه لازم برای تقویت توانش بینا فرهنگی است. نتایج مصاحبه پژوهش احمدی صفا و فراهانی (۲۰۱۵) با ۲۲ معلم بیان‌گر آن است که عدم معرفی فرهنگ زبان خارجی و سایر فرهنگ‌ها نگرش متعصبانه به روابط بین انسانی و بومی‌سازی افراطی از نقاط ضعف اصلی کتاب است. علاوه بر این، رضایی و لطیفی (۲۰۱۵) پارامترهای فرهنگی و هویت در کتاب درسی زبان انگلیسی کلاس هفتم (*پراسپکت ۱*) را بررسی و تحلیل کردند. نتایج پژوهش رضایی و لطیفی (۲۰۱۵) با احمدی صفا و فراهانی (۲۰۱۵) هماهنگ است، چراکه نتایج هر دو پژوهش نشان‌دهنده آن است که مؤلفان کتاب *پراسپکت* نتوانسته‌اند به اندازه کافی به مؤلفه‌های فرهنگی بپردازند و بومی‌سازی افراطی در این کتاب به چشم می‌خورد.

مرور مختصری بر پیشینه مربوط به بررسی کتب درسی بر رویکرد تجزیه بارهای فرهنگی نشان می‌دهد که مطالعه‌ای بر روی مجموعه *American English File* انجام نشده است. هم‌چنین، وجود رابطه تنگاتنگ بین زبان انگلیسی و فرهنگ وارداتی غربی و لزوم تأکید این‌که کتب آموزش زبان انگلیسی علاوه بر آموزش مسائل زبانی همیشه حاملان ارزش‌های فرهنگی، ایدئولوژیکی، و اجتماعی هم هستند (Cortazzi and Jin 1999;

در آموزشگاه‌های زبان در ایران به نوجوانان و بزرگسالان آموزش داده می‌شوند و از نظر فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند، در حالی که ممکن است به خودی خود به منظور عدم تطابق احتمالی و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک اثرات فرهنگی داشته باشند، محقق را بر آن داشت تا به استخراج و بررسی بارهای فرهنگی موجود در مجموعه *American English File* بر اساس چهارچوب نظری زارعی و خالصی (۲۰۱۱) پردازد.

۲. مروری بر پیشینه تحقیق

با معرفی مفهوم توانش ارتباطی در دهه ۱۹۷۰، فرهنگ به منزله بخشی حیاتی از آموزش زبان در نظر گرفته شده است (Tajeddin and Teimournezhad 2015). آلن (۱۹۸۵) در بحث «برنامه درسی فرهنگ» بر این موضوع تأکید می‌کند که هدف آموزش فرهنگ ملزم کردن دانش‌آموزان به تغییر هویت فرهنگی‌شان نیست، بلکه به آن‌ها اجازه می‌دهد پیچیدگی‌های فرهنگ را درک کنند و روش‌های زندگی متفاوت با روش زندگی را به آنان معرفی می‌کند. تشویق دانش‌آموزان به درک رفتار فرهنگی خود اثر دیگر یادگیری در مورد فرهنگ‌های دیگر است. در همین راستا، کرامش فرهنگ را به‌عنوان «یک نگرش و باور و شیوه‌ای برای تفکر، رفتار، و یادآوری تعریف می‌کند که بین اعضای جامعه مشترک است» (Kramsch 1995: 84). ابریت (۱۹۹۵) بر این باور است که آموزش فرهنگ، دانش، و ابزارهای ضروری را برای دانش‌آموزان آماده می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد باورهای خود را مورد پرسش قرار دهند و روش‌های زندگی و اعتقادات دیگران را بپذیرند.

در یک بحث، آرگونگو (۲۰۰۲) ادعا می‌کند که تنها راه برای مقابله با تهاجم فرهنگی توسعه فرهنگی انگلیسی اسلامی است. آرگونگو نشان می‌دهد که به‌جای اجتناب از شوک فرهنگی در نتیجه ارائه فرهنگ زبان مقصد به زبان‌آموزان، باید عناصر فرهنگ اسلامی در آموزش زبان گنجانده شوند. او با استناد به الفاروقی (۱۹۸۶)، از ادعای خود حمایت می‌کند. برای آرگونگو و الفاروقی فرهنگ انگلیسی اسلامی یک دیوار ایمنی را در برابر فرهنگ غربی ماتریالیست و مصرف‌گرایی ایجاد می‌کند. در تلاش برای حل و فصل مناقشات درباره آموزش فرهنگ در کلاس درس زبان، آموزش مبتنی بر بافت به‌عنوان یک راه‌حل پیش‌نهاد شده است.

سؤال چالش‌برانگیز در زمینه تلفیق فرهنگ و زبان این است که کدام فرهنگ باید به آموزش زبان انگلیسی مربوط باشد؟ در وضعیت یادگیری زبان دوم ممکن است تمرکز بر

فرهنگ جامعه مقصد در یک کشور معین معقول به نظر برسد. اما باید در وضعیت یادگیری زبان خارجی از جمله ایران چه تدابیری اندیشید؟ آیا باید بر همه فرهنگ‌ها تمرکز کنیم؟ که امری غیرممکن است. آیا باید بر چند فرهنگ یا یکی از آن‌ها تمرکز کنیم؟ اما چگونه باید انتخاب کنیم؟ به جای تلاش برای پاسخ به سؤالات مذکور، شاید مفیدتر باشد که بپذیریم، زبان انگلیسی را هرکسی می‌تواند به‌منزله ابزاری برای بیان هر میراث فرهنگی و هر سیستم ارزشی مورد استفاده قرار دهد (Smith 1983). برای پاسخ به سؤالات مذکور چندین رویکرد وجود دارد. بعضی کارشناسان فن روش‌های مطلق تلفیق زبان و فرهنگ را نمی‌پذیرند. آنان معتقدند که کتاب‌های آموزشی نباید فقط بر فرهنگ مبدأ یا فرهنگ مقصد تمرکز کنند، بلکه باید بر یک برنامه آموزشی نسبتاً عادلانه فرهنگی تأکید کنند و به‌جای تمرکز کامل بر فرهنگ زبان مقصد انتخاب یک رویکرد میان فرهنگی برای آموزش زبان انگلیسی را پیش‌نهاد می‌دهند که در آن آگاهی فرهنگی و توانش بینا فرهنگی اهمیت دارد (Alptekin 2002; Mckay 2004; Smith 1983). و استراتژی‌هایی برای مقابله با تفاوت‌های فرهنگی به دانش‌آموزان عرضه می‌کنند. به‌طور کلی، همیشه خطر از دست رفتن جزئیات به‌خاطر کلیات یا کلیات به‌خاطر جزئیات وجود دارد. در نتیجه، حد واسطه ممکن است به تفکیک‌ناپذیری فرهنگ و زبان رو آورد، هرچند این هویت ترکیبی را می‌توان به‌شیوه‌ای دست‌کاری کرد که اهمیت بیش‌تر یا کم‌تر به یکی از دو مؤلفه داده شود.

در همین راستا، زارعی و خالصی (۲۰۱۰) هشدار می‌دهند که آمیختگی فرهنگ زبان خارجی با مطالب آموزشی می‌تواند توجیهی برای شکست بعضی از دانش‌آموزان در یادگیری زبان خارجی باشد؛ چراکه ممکن است آن‌ها تمایل به رهاشدن از تحمیل‌های فرهنگی ناخواسته آن را داشته باشند، بنابراین، صداهایی که به استفاده از فرهنگ محلی اصرار دارند در حال بلندتر شدن است. تلاش‌هایی برای ابداع مطالب آموزشی جدید با انطباق تحقیقات موجود برای اصلاح فرهنگ زبان‌آموزان انجام گرفته است که مفهوم انگلیسی اسلامی جلوه‌ای از این پدیده است (Argungu 2002). چنان‌که پیش‌قدم (۲۰۱۱) اشاره می‌کند، هنگامی که دو فرهنگ در کنار هم قرار می‌گیرند، هیچ تضمینی وجود ندارد که این دو فرهنگ به‌طور خودکار غنی شوند. کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی این قابلیت را دارند که محل توسعه هویت فرهنگی و ملی زبان‌آموزان باشند. بنابراین، معلمان زبان انگلیسی نقش محوری در شکل‌گیری هویت ملی و فرهنگی زبان‌آموزان ایفا می‌کنند. باین‌حال، اگر معلمان به‌اندازه کافی آموزش ندیده باشند که بتوانند با مسائل فرهنگی مقابله کنند، فقر فرهنگی (derichment) اجتناب‌ناپذیر است.

پسکت (۲۰۰۱) اشاره می‌کند، «دولت تصمیم می‌گیرد، مدرسه اجرا می‌کند، و دانش‌آموزان بر این اساس تغییر می‌کنند» (Peskett 2001: 6). روشی که دانش با آن سامان‌دهی می‌شود از طریق ساخت ایدئولوژی‌های هنجاری بر دیدگاه زبان‌آموزان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، دانش زبان‌آموزان نتیجه ترکیب موضوعات کتاب، مدرسه، و تجربه اجتماعی آنان خواهد بود. در این راستا، کتب آموزش زبان انگلیسی در کشورهایی مانند ایران، که انگلیسی زبان خارجی آن‌هاست، از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌شود، زیرا زبان‌آموزان نمی‌توانند جنبه‌های فرهنگی زیادی را با زندگی کردن در میان انگلیسی‌زبان‌ها و تعامل با آن‌ها در زندگی اجتماعی مشاهده کنند. بنابراین، کتب آموزشی باید دربرگیرنده پیشینه‌های متنوع نژادی و فرهنگی دانش‌آموزان زبان انگلیسی بوده و این اختیار را به آن‌ها بدهد تا نظرات و دیدگاه‌های مختلف را شناسایی کنند (Shin et al. 2011). گاهی اوقات نمایش فرهنگ‌های محلی به گونه‌ای نیستند که بتوان روابط قدرت نابرابر را به چالش کشید و تعصب جنسیتی و هویت‌های اجتماعی را اصلاح کرد و توانش بین‌فرهنگی، که اطلاعات مربوط به خصلت‌های اجتماعی، الگوهای فکری، و فرهنگ گروه‌های مختلفی از افراد را برای ما فراهم کرده و شامل درک فرهنگ‌ها، زبان‌ها، و آداب و رسوم مردم سایر کشورهاست (Byram et al. 2002) به نمایش گذاشته نمی‌شود. ارزیابی کتب آموزشی از دیدگاه فرهنگی اهمیت مضاعفی را برای ما آشکار می‌سازد، چراکه مطالعات اندکی درباره تجزیه و تحلیل الگوهای نمایش فرهنگی در کتب آموزشی بین‌المللی زبان انگلیسی مورد استفاده در ایران وجود دارد (Tajeddin and Teimournezhad 2015).

پس از بررسی مطالعات مختلف در مورد بار فرهنگی و باتوجه به کمی پژوهش‌ها در بافت ایرانی، هدف این مطالعه بررسی نمودهای فرهنگی در مجموعه کتاب‌های درسی *American English File* است. در ایران، بسیاری از آموزشگاه‌های زبان از کتاب‌های درسی نویسندگان‌های خارجی استفاده می‌کنند، که در نتیجه زبان‌آموزان و معلمان، نه نویسندگان کتاب‌های درسی، ارزش‌های فرهنگی مشابهی را به اشتراک می‌گذارند (Pishghadam 2011). باتوجه به این وضعیت یک شکاف فرهنگی بین زبان‌آموزان ایرانی و کتاب‌های درسی خارجی مورد استفاده در ایران وجود دارد که پژوهش حاضر بر آن است تا ارزش‌های فرهنگی موجود در این کتب را شناسایی، تجزیه، و تحلیل کند.

پرسش پژوهش از این قرار است که چه ارزش‌های فرهنگی‌ای در مجموعه کتاب‌های *American English File* بر اساس چهارچوب تحلیل فرهنگی زارعی و خالصی (۲۰۱۱) وجود دارد؟

۳. روش پژوهش

۱.۳ مواد و ابزار گردآوری اطلاعات

این پژوهش پژوهشی کیفی توصیفی و اکتشافی است، لذا روش تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده قرار گرفت. برای این منظور، مدل الگوی ارزش‌های فرهنگی زارعی و خالصی (۲۰۱۱) برای تجزیه، تحلیل، و توصیف محتوای کتب *American English File* استفاده می‌شود تا ماهیت ارزش‌های فرهنگی این کتب شناخته و آشکار شود. این مدل چهار مؤلفه ارزش، هنجار، سازمان، و محصول دارد که از تعریف عملیاتی فرهنگ توسط ویلیامز (۱۹۸۳) نشئت گرفته است. هم‌چنین، این مدل از مبانی نظری برگرفته شده است که در تحلیل گفتمان انتقادی (Fairclough 1989; Halliday 1985) ریشه دارد. مؤلفه اول، یعنی ارزش از سرگرمی، آزادی‌خواهی، مصرف‌گرایی، و القای ارزش‌های غربی تشکیل شده است. برای ملموس و کاربردی کردن مؤلفه‌ها، فرض بر این شد که ارزش‌ها حاوی ایده‌هایی هستند که در زندگی مهم به نظر می‌رسند.

هنجار به‌مثابه مؤلفه دوم شامل انتظارات از نحوه رفتار و معاشرت مردم در موقعیت‌های مختلف می‌شود. هنجارهایی که به‌طور رسمی به جامعه تحمیل می‌شوند در موقعیت قانون قرار می‌گیرند و هنجارهای دیگر که به‌طور غیررسمی اجرا می‌شوند فقط نقش تنظیمی دارند. این جنبه شامل «روابط دوست دختر - دوست پسر، ارتباط با جنس مخالف یا قرار عشقی، نگهداری از حیوانات خانگی، و باشگاه رقص» است. مؤلفه سوم، یعنی سازمان، سازمان‌ها را نشان می‌دهد که از طریق آن ارزش‌ها و هنجارها منتقل می‌شوند و شامل سازمان‌های «سرگرمی، تجاری، ورزشی، آموزشی، و قراردادی» هستند. محصولات به اشیا یا جوانب فرهنگ مادی به‌دست‌آمده از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اشاره می‌کنند. نه‌زیر مؤلفه محصولات فرهنگی شامل شغل، لباس، نام، موسیقی، ورزش، هنر، شهرت، غذا، آموزش، و تکنولوژی می‌شود.

نکته شایان ذکر این است که این الگوها، که با نام‌های مختلف طبقه‌بندی شده‌اند، دوبه‌دو ناسازگار نیستند. اما گاهی اوقات یک الگو، برای مثال یک ایده، ممکن است تاحدی برای یک رده دیگر، برای مثال یک هنجار، در نظر گرفته یا در آن گنجانده شود، در نتیجه در آن دسته نیز به‌شمار می‌آید. جدول ۱ مؤلفه‌های چهارگانه فرهنگی و زیرمجموعه‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۱. زیرمؤلفه‌های الگوهای فرهنگ غربی (Zarei and Khalessi 2014)

ردیف	ارزش	مؤلفه‌های اصلی	
		هنجار	سازمان
۱	سرگرمی	رابطه دوست دختر - دوست پسر	سرگرمی
۲	آزادی‌خواهی	ارتباط با جنس مخالف یا قرار عشقی	تجاری
۳	مصرف‌گرایی	نگهداری از حیوانات خانگی	ورزش
۴	القای ارزش‌های غربی	باشگاه رقص	غذا
۵			آموزشی
۶			قراردادی
۷			غذا
۸			آموزشی
۹			تکنولوژی

کتاب‌های درسی که در پژوهش حاضر مورد نقد و تحلیل محتوایی قرار می‌گیرند چاپ دوم مجموعه *American English File* هستند که شامل کتاب استارتر، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ می‌شود.

۲.۳ روند جمع‌آوری داده‌ها

داده‌ها محتوای شش کتاب درسی مجموعه *American English File* هستند که با کتاب استارتر شروع می‌شود و با کتاب پنج به پایان می‌رسد. تمام بخش‌های این شش کتاب شامل محتوای صوتی، مکالمه‌ها، فعالیت‌ها، متون، و تصاویر برای پیداکردن ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر مدل چهارمؤلفه‌ای ارزش، هنجار، سازمان، و محصول زارعی و خالصی (۲۰۱۱) مورد تحلیل قرار گرفتند. سپس فراوانی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های فرهنگی هر ارزش جمع‌آوری و تعیین شد. برای تأیید و نشان‌دادن نسبت‌های بار فرهنگی، فراوانی، و درصد مؤلفه‌های فرهنگی غربی در مقابل مؤلفه‌های خنثی مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفتند. برای اطمینان بیش‌تر از طبقه‌بندی ارزش‌ها نظرات یک متخصص دیگر زبان نیز مدنظر قرار گرفت و میزان هم‌بستگی به‌منزلهٔ ملاک پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه و در هر جدول نمایش داده شده است.

۴. نتایج

همان‌طور که در جدول ۱ اشاره شد، پژوهش حاضر براساس مدل چهارگانه ارزش، هنجار، سازمان، و محصول این کتب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که در این جا فراوانی تک‌تک این مؤلفه‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها گزارش شده است.

۱.۴ ارزش

ارزش چهار زیرمجموعه دارد که فراوانی مجموع این ارزش‌های فرهنگی ۵۳۷ است که کتاب اول با بالاترین فراوانی ۱۳۰ شامل ۲۴.۲ درصد در رده اول و کتاب چهارم با پایین‌ترین درصد (۱۱٪) و فراوانی ۶۰ در پایین‌ترین رده قرار دارد. جدول هم‌چنین بیان‌گر آن است که دسته اول مؤلفه «ارزش» به منزله «سرگرمی» شناخته می‌شود که این دسته شامل فعالیت‌های انسانی براساس لذت، خوشی، فعالیت‌های اوقات فراغت، گوش دادن به موسیقی و بیرون‌رفتن با دوستان جنس مخالف است. این دسته ۱۸۲ بار رخ می‌دهد و تا ۳۳.۸۹ درصد از کل ارزش زیرشاخه‌ها را ایجاد می‌کند و در جایگاه دوم در چهار دسته از ارزش‌ها قرار می‌گیرد.

زیررده دوم، «ارزش‌های آزادی‌خواهی» با فراوانی ۷۰ با ۱۳.۰۵ در جایگاه سوم قرار دارد. کتاب دوم با بالاترین فراوانی ۲۱ مورد در رده اول و کتاب استارتر با پایین‌ترین فراوانی با ۷ مورد در رده آخر قرار دارد. این زیررده به آزادی در ارتباط با جنس مخالف، عدم محدودیت برای سرگرمی در باشگاه رقص، مسافرت با دوستان جنس مخالف حتی به شهرهای دیگر، لباس و به‌دست‌آوردن استقلال از خانواده، باوجود جوان‌بودن اشاره می‌کند. ازدیدگاه فرهنگ ایرانی - اسلامی، ارزش‌های آزادی‌خواهی یا آزادی نامحدود با تمرکز بر یک سبک زندگی خاص مختص به فرهنگ غرب است.

زیررده سوم «مصرف‌گرایی» با فراوانی ۵۹، که در رتبه چهارم نرخ فراوانی (۹.۳٪) قرار می‌گیرد، شامل افزایش مخارج و زندگی مصرف‌گرایی از طریق روش‌های جدید خرید الکترونیکی، خرید لباس‌های گران‌قیمت و سفرهای پرهزینه می‌شود. کتاب دو و پنج با ۱۲ مورد بیش‌ترین فراوانی و کتاب اول با ۵ مورد کم‌ترین فراوانی را دارد. این زیررده کم‌ترین درصد را دارد و هم‌چنین، از میان این کتب، کم‌ترین استفاده از ارزش را نشان می‌دهد.

آخرین زیررده «القای ارزش‌های گوناگون غربی» است که با فراوانی ۲۲۶ بیش‌ترین بار فرهنگی (۴۲.۰۸) را در بین این ۴ زیرمجموعه «ارزش» به خود اختصاص داده است. کتاب سوم با فراوانی ۵۳ بیش‌ترین و کتاب استارتر با فراوانی ۲۷ کم‌ترین میزان از القای ارزش‌های غربی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲. فراوانی و درصد زیرمؤلفه ارزش فرهنگی

زیرمؤلفه ارزش	کتاب استارتر	کتاب ۱	کتاب ۲	کتاب ۳	کتاب ۴	کتاب ۵	مجموع
سرگرمی	۳۴	۶۵	۳۷	۲۰	۱۵	۱۱	۳۳۸۹
آزادی‌خواهی	۷	۱۵	۲۱	۱۰	۸	۹	۱۳۰۵
مصرف‌گرایی	۱۱	۵	۱۲	۱۰	۹	۱۲	۱۰۹۸
القای ارزش‌های گوناگون غربی	۲۷	۴۵	۴۷	۵۳	۲۸	۳۲	۴۲۰۸
مجموع	۷۳	۱۳۰	۱۱۷	۹۳	۶۰	۶۴	۵۳۷
درصد	۱۳.۵۹	۲۴.۲	۲۱.۷۸	۱۷.۳۱	۱۱.۲۱	۱۱.۹۱	۱۰۰
پایایی بین دو نفر	.۹۳	.۹۲	.۹۱	.۸۹	.۹۴	.۹	.۹۲

۲.۴ هنجار

جدول ۳ نشان‌دهنده «هنجار» براساس جنبه‌های فرهنگی است. همان‌طور که گفته شد، «هنجار» نشان می‌دهد که مردم چگونه باید در جامعه رفتار کنند. این مؤلفه از نظر نرخ کلی فراوانی ($F=140$) در مقایسه با مؤلفه فرهنگی «ارزش» در جایگاه پایین‌تری قرار دارد. نگاهی اجمالی به جدول ۳ بیان‌گر آن است که «رابطه دوست دختر - دوست پسر» بالاترین فراوانی ۶۱ با ۴۳.۵۷ درصد و «باشگاه رقص» با فراوانی ۱۶ کم‌ترین درصد ۱۱.۴۳ را به خود اختصاص داده‌اند. کتاب ۲ با فراوانی ۵۴ و ۳۸.۵۷ درصد بالاترین و کتاب استارتر و ۵ با فراوانی ۱۲ به ترتیب پایین‌ترین میزان از مؤلفه‌های هنجار فرهنگی را دارند.

جدول ۳. فراوانی و درصد زیرمؤلفه‌های هنجار فرهنگی

ردیف	زیرمؤلفه	کتاب استراتر	کتاب ۱	کتاب ۲	کتاب ۳	کتاب ۴	کتاب ۵	مجموع
	هنجار	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	درصد
۱	رابطه دوست دختر، دوست پسر	۳	۱۱	۲۷	۹	۶	۵	۴۳.۵۷
۲	ارتباط با جنس مخالف یا قرار عشقی	۵	۹	۱۷	۴	۴	۴	۳۰.۷۱
۳	نگهداری از حیوانات خانگی	۴	۷	۴	۰	۲	۳	۱۴.۲۸
۴	باشگاه رقص	۰	۵	۶	۳	۲	۰	۱۱.۴۳
	مجموع	۱۲	۳۲	۵۴	۱۶	۱۴	۱۲	۱۴۰
	درصد	۸.۵۷	۲۲.۸۶	۳۸.۵۷	۱۱.۴۳	۱۰	۸.۵۷	۱۰۰
	پایایی بین دو نفر	۰.۹۱	۰.۹۳	۰.۹۱	۰.۹۲	۰.۹۳	۰.۹۲	۰.۹۳

۳.۴ سازمان

همان‌طور که می‌توان در جدول ۴ دید، «سازمان» به‌منزله زیرمؤلفه سوم الگوی فرهنگی به ساختارهای مبتنی بر جامعه اشاره دارد که به‌موجب آن «ارزش‌ها» و «هنجارها» ارائه می‌شوند. این زیرمؤلفه شامل شش زیررده اعم از سرگرمی، تجاری، ورزشی، غذا، آموزشی، و ساختارهای قراردادی است. این مؤلفه از نظر نرخ کلی فراوانی ($F=428$)، که کتاب ۱ با فراوانی ۱۰۷ بالاترین میزان مؤلفه‌های ارزشی سازمان را با ۲۵ درصد دارد، در حالی که کتاب ۴ با فراوانی ۴۳ در رده آخر جای گرفته است. زیرمؤلفه «تجاری» ۳۱.۵۸ درصد و بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، در حالی که «سرگرمی» با ۲۷.۸ درصد دومین و «ورزشی» با ۴.۴۵ درصد آخرین زیرمؤلفه ارزش‌های سازمانی هستند.

جدول ۴. فراوانی و درصد زیرمؤلفه‌های سازمان فرهنگی

ردیف	زیرمؤلفه سازمان	کتاب استراتر	کتاب ۱	کتاب ۲	کتاب ۳	کتاب ۴	کتاب ۵	مجموع
	ردیف	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	درصد
۱	سرگرمی	۲۷	۴۲	۲۴	۱۱	۵	۱۰	۱۱۹
۲	تجاری	۱۵	۱۲	۲۲	۳۴	۲۵	۲۷	۱۳۵
۳	ورزشی	۶	۱	۹	۰	۰	۳	۱۹
۴	غذا	۷	۱۵	۲۷	۷	۸	۱۳	۷۷

۷	۳۰	۳	۴	۴	۹	۶	۴	آموزشی	۵
۱۱.۱۸	۴۸	۰	۱	۲	۵	۳۱	۹	قراردادی	۶
۱۰۰	۴۲۸	۵۶	۴۳	۵۸	۹۶	۱۰۷	۶۸	مجموع	
	۱۰۰	۱۳۰۸	۱۰۰۰۴	۱۳۰۵۸	۲۲۰۴۲	۲۵	۱۵۸۸	درصد	
	۹۲	۹۴	۹۱	۹۱	۹۴	۹۳	۹۲	پایایی بین دو نفر	

۴.۴ محصولات

جدول ۵ آخرین زیرمؤلفه ارزش‌های فرهنگی، یعنی «محصول»، را نشان می‌دهد که شامل ۹ زیرمجموعه با فراوانی ۷۳۷ است که از این میان «افراد مشهور» با فراوانی ۱۸۹ بیش‌ترین درصد ۲۵.۶۴ را به خود اختصاص داده است. «موسیقی» با فراوانی ۱۳۹ و غذا با فراوانی ۹۱ در رده دوم و سوم قرار دارند. شایان ذکر است که کتاب ۱ بالاترین میزان مؤلفه‌های محصولات فرهنگی را با ۲۶.۷۳ درصد دارد، درحالی‌که کتاب ۴ با فراوانی ۸۹ فقط ۱۲.۰۸ درصد را به خود اختصاص داده و در رده آخر قرار دارد.

جدول ۵. فراوانی و درصد زیرمؤلفه‌های محصولات فرهنگی

ردیف	زیرمؤلفه	کتاب استارتر	کتاب ۱	کتاب ۲	کتاب ۳	کتاب ۴	کتاب ۵	مجموع	درصد
۱	محصولات	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	فراوانی	درصد
۱	شغل	۷	۱۵	۲۰	۱۲	۳	۶	۶۳	۸.۵۸
۲	لباس	۰	۲	۷	۳	۱۳	۴	۲۹	۳.۹۳
۳	موسیقی	۱۸	۴۲	۲۸	۱۹	۱۲	۲۰	۱۳۹	۱۸.۸۷
۴	ورزش	۲	۱	۹	۶	۸	۰	۲۶	۳.۵۲
۵	هنر	۴	۳۵	۱۷	۱۲	۱۱	۱۰	۸۹	۱۲.۰۷
۶	افراد مشهور	۳۹	۵۶	۲۲	۱۸	۱۹	۳۵	۱۸۹	۲۵.۶۴
۷	غذا	۱۷	۲۹	۱۸	۶	۹	۱۲	۹۱	۱۲.۳۴
۸	آموزش	۱	۷	۱۰	۹	۱	۶	۳۴	۴.۶۱
۹	تکنولوژی	۱۶	۱۰	۱۵	۱۳	۱۳	۱۰	۷۷	۱۰.۴۴
	مجموع	۱۰۴	۱۹۷	۱۴۶	۹۸	۹۸	۱۰۳	۷۳۷	۱۰۰
	درصد	۱۴.۱۱	۲۶.۷۳	۱۹.۸۳	۱۳.۲۹	۱۲.۰۷	۱۳.۹۷		
	پایایی بین دو نفر	۹۲	۸۹	۹۱	۹۴	۹۲	۹۴		۹۳

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه تجزیه، تحلیل، و توصیف محتوای کتب *American English File* به‌منظور آشکارسازی ارزش‌های فرهنگی است. این کتاب‌ها در آموزشگاه‌های زبان به‌منزله منبع اصلی آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌منظور تجزیه و تحلیل محتوای این کتب، مدل الگوی فرهنگی زارعی و خالصی (۲۰۱۱) مورد بهره‌برداری قرار گرفت که شامل چهار مؤلفه ارزش، هنجار، سازمان، و محصول است.

به‌طور کلی، نتایج نشان داد که کتاب‌های درسی محصولاتی‌اند که تحت‌تأثیر پیش‌فرض‌ها و گرایش‌های فرهنگی هستند. تجزیه و تحلیل مجموعه *American English File* از نظر بار فرهنگی نشان داد که این مطالب آموزشی سرشار از ارزش‌های فرهنگی منحصر به فرد برای جهان غرب هستند. برای مثال، در قسمت سرگرمی بخش ارزش، موارد بسیاری وجود داشت که در آن‌ها یک دختر جوان و یک پسر با هم قرار ملاقات می‌گذاشتند یا یک‌دیگر را در یک مهمانی، باشگاه یا کنسرت ملاقات می‌کردند. کتاب استارتر با یک محیط آموزشی شروع می‌شود؛ یک خوابگاه در یک کالج، که در آن دختران و پسران با هم در یک ساختمان زندگی می‌کنند. کتاب اول هم با موقعیتی شروع می‌شود که در آن یک دختر و یک پسر در یک مهمانی با هم ملاقات می‌کنند، سپس با هم قرار می‌گذارند، و در نهایت به خانه پسر می‌روند و مادر پسر با سگش ناگهان وارد می‌شود و همگی آن‌ها متعجب می‌شوند و در نتیجه مایک و هانا در کلوپ قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، یکی از موضوعات کتاب یک نحوه ملاقات اینترنتی با جنس مخالف است. در یک موقعیت دیگر دختر از پسر می‌خواهد با هم شام بخورند، اما پسر می‌گوید که نمی‌تواند، چراکه آن روز روز تولد دوست دخترش است (الی: «مت، جمعه با هم شام بخوریم؟»، «مت: نمی‌تونم بیایم؛ آن روز جشن تولد دوست دخترمه»).

درس اول کتاب ۲ نیز با موضوع پیدا کردن دوست دختر و دوست پسر شروع می‌شود که نمونه بارزی از القای ارزش‌های فرهنگ غرب است. در کتاب ۲ قسمت شنیداری ۴.۳۱ بحث و جدل Jenny با Rob در مورد دوست دخترش Holly است. کتاب ۲ صفحه ۱۲ متنی در رابطه با اختلاف Joe و دوست دخترش Mia است که تعطیلات به تایلند می‌روند. Joe می‌گوید که Mia با یکی از پسرهای دیگر عشق‌بازی کلامی می‌کند که نشان‌دهنده آزادی خواهی، از هم‌گسیختگی، و رابطه با جنس مخالف است. در نمونه دیگر در کتاب ۲ قسمت شنیداری ۳.۵۰، Kevin می‌گوید که بهترین دوستم با دوست دخترم عشق‌بازی

کلامی دارد. مثلاً به او می‌گوید: «تو خیلی زیبایی و لباس‌های خیلی شیک داری». و هر وقت مهمانی می‌رویم از دوست دخترم می‌خواهد که با او برقصد. عکس‌های زیادی در این کتب رقصیدن را نمایش می‌دهند، برای مثال، کتاب ۱ صفحه ۴۵ و کتاب ۲ صفحات ۴۷ و ۵۳ نشان‌دهنده رقص آقا و خانم است که تنها چند نمونه از القای فرهنگ غرب است. می‌توان چنین گفت که این مجموعه مملو از روابط نامشروع است که فرهنگ غرب را به‌طور نامحسوس، اما هدف‌مند به زبان‌آموزان نوجوان و جوانان القا می‌کند، اگرچه به‌دلیل محذورات اخلاقی در این پژوهش از پرداختن به آن‌ها صرف‌نظر شده است.

علاوه‌براین، ویژگی قابل‌توجه دیگر این مجموعه نام بعضی از برندهای معروف است، که از صفحات اول کتاب تکرار می‌شود. شما همیشه می‌توانید نام بعضی از برندها را ببینید، مانند: اپل، لنوو، بی. ام. و. بیگ مک، کوکاکولا، جنرال الکتریک، و غیره. این مجموعه نگرش جانب‌دارانه خود را در مورد فرهنگ نشان می‌دهد و در آن از حداقل موارد آموزش، ورزش، و هنر استفاده می‌کند و هنگام استفاده از این نوع موارد، آن‌ها عمدتاً با نام یا تصویر یک هنرمند مشهور ارائه می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت که این مجموعه پر از تصاویر نام‌ها، داستان‌های ستارگان، کارگردانان فیلم‌های هالیوود، چهره‌های معروف ایالات متحده آمریکا و غرب، از جمله سیاست‌مداران، خوانندگان، و موسیقی‌دانان است. برای مثال، درس اول کتاب استارتر با کنسرت خواننده آمریکایی Adele و کانادایی تبار Bieber، و اسپانیایی تبار Gisele شروع می‌شود. نمونه بارز دیگر در کتاب یک صفحه ۲۸ عکس ۶ خواننده را به‌تصویر کشیده شده است. علاوه‌بر آن، صفحه ۳۶ از برنامه ماهواره‌ای Next American Idol تبلیغ می‌کند که تصاویری از خوانندگان آمریکایی، انگلیسی، و استرالیایی را نمایش می‌دهد و آلبوم‌ها و گروه‌های موسیقی آنان را عرضه می‌کند. در کتاب ۲ قسمت شنیداری ۴.۲۹ از آلبوم‌های Enrique و زندگی‌نامه او صحبت می‌کند. هم‌چنین، کتاب ۳B صفحه ۶۱ در مورد *Britain's Got Talent Show* است و کتاب ۴ صفحه ۵۴ از خوانندگان و نوازندگان تعریف و تمجید می‌کند. در بخش‌های دیگر، این مجموعه برای ارائه مدل مو، لباس، و آرایش مد روز، از یک زن آمریکایی استفاده می‌کند.

دیگر مورد فرهنگی که حاصل یافته‌های پژوهش است میزان درس‌گریزی و بی‌علاقگی به تحصیل و آموزش را نشان می‌دهد که نظر پژوهش‌گر حاضر را به خود جلب کرد. برای مثال، در کتاب ۲ قسمت شنیداری ۴.۴۶، مصاحبه‌کننده نظر افراد را در مورد خاطرات مدرسه جويا می‌شود و هر ۳ نفر ابراز بی‌علاقگی به مدرسه و ادامه تحصیل می‌کنند. مصاحبه‌شونده اولی می‌گوید که هیچ علاقه‌ای به درس‌هایم نداشتیم. مصاحبه‌شونده

دومی می‌گوید که دوران ابتدایی را دوست داشتم، اما دوران دبیرستان را دوست نداشتم. مصاحبه‌شونده سومی می‌گوید که مدرسه را دوست نداشتم، چراکه مدرسه فقط پسرانه و بسیار کسل‌کننده بود. علاوه بر آن، تعداد دفعاتی که از دانشگاه در این کتب یاد شده کم‌تر از ۱۰ بار است که در اکثر موارد به تحصیل در رشته‌هایی هم‌چون Jazz Piano (کتاب ۲، صفحه ۱۱۶) در دانشگاه North Texas یا London College of Fashion صحبت می‌کند که در مورد مُد است (همان: ۲۹). کتاب ۳ صفحات ۶۴ تا ۶۷ در مورد آموزش و مدرسه است، اما متن درک مطلب در مورد آموزش آوازخوانی و موسیقی است و به‌ضم نویسنده این خود نمونه بارز دیگری از القای فرهنگ غربی است که حتی تحصیل به آوازخوانی و موسیقی خلاصه می‌شود. هم‌چنین در کتاب ۱ صفحه ۸۸ از دانشگاه Buenos Aires و موسیقی تمجید می‌کند. صفحه ۸۳ کتاب ۳ نیز از رفتن دانشجویی به دانشگاه می‌گوید که در میانه راه از تحصیل انصراف می‌دهد. هم‌چنین، مصاحبه‌کننده‌ای از دانشجویی می‌پرسد:

مصاحبه‌کننده: «بعد از فارغ‌التحصیلی چه برنامه‌ای داری؟».

دانشجو: «نمی‌دونم».

مصاحبه‌کننده: «در حال حاضر مشغول به تحصیل در چه رشته‌ای هستی؟».

دانشجو: «جامعه‌شناسی».

مصاحبه‌کننده: «چرا؟».

دانشجو: «چون فکر می‌کردم که آسان باشد» (کتاب ۲، بخش شنیداری ۳.۲۳).

علاوه بر این، در کتاب ۲ بخش شنیداری ۴.۲۹، شرح مفصلی از زندگی‌نامه خواننده آمریکایی، Enrique، را ارائه می‌دهد که از رشته تجارت انصراف می‌دهد و خواننده می‌شود یا در کتاب ۳ صفحه ۶، دانشجویی که فارغ‌التحصیل رشته فیزیک است، رستوران باز می‌کند. و در نهایت، کتاب ۴ صفحه ۹۶، از دانشمندی صحبت می‌کند که هنگام پژوهش، جان خود را از دست می‌دهد.

ترویج ارزش فرهنگ غربی دیگری که در این مجموعه به چشم می‌خورد میزان طلاق، عدم اعتماد زوجین به یک‌دیگر، و ازهم‌گسیختگی بنیان خانواده است. برای مثال، کتاب ۱ در مورد زندگی‌نامه Marilyn Monroe، هنریشه آمریکایی، که ۳ بار ازدواج کرده توضیح می‌دهد. کتاب ۲ صفحه ۱۱۷ بخش شنیداری ۱.۱۵ بیان می‌کند که اکثر ازدواج‌ها در آمریکا به طلاق می‌انجامد. هم‌چنین، کتاب ۴ صفحه ۴۵ متنی با عنوان «همسر هنریشه به دنبال طلاق است» را بزرگ نمایش می‌دهد. مثال دیگری در کتاب ۲ بخش شنیداری ۲.۳۲ نشان

می‌دهد هنگامی که Steve آخر هفته در آسانسور محل کارش گیر می‌کند، همسرش Kate فکر می‌کند او با خانم دیگری است. علاوه‌براین، کتاب ۲ بخش شنیداری ۳.۵۲ مکالمه‌ای است که Miranda به روان‌شناس می‌گوید که همسر قبلی شوهرم، با وجود این‌که ۵ سال پیش طلاق گرفته‌اند، هنوز با او در تماس است. روان‌شناس به او می‌گوید که «آیا تو دوست پسر داری؟» Miranda می‌گوید من با Bill از دوران نوجوانی دوست بوده‌ام. روان‌شناس توصیه می‌کند هر زمانی که همسر قبلی شوهرت تماس گرفت تو هم می‌توانی با Bill تماس بگیری و با هم به رستوران و سینما بروید. کتاب ۵ متن صفحه ۲۵ نشان می‌دهد که Stephanie تصمیم گرفت از Jason، که هم‌زمان با ۳ نفر دیگر رابطه عاشقانه دارد، جدا شود. هم‌چنین، کتاب ۵ متن صفحه ۸۴ توضیح می‌دهد حیوانات خانگی و صاحبان آن‌ها در گذر زمان رفتار یک‌سانی پیدا می‌کنند. Laila می‌گوید که گربه‌اش Philphil مثل خودش رفتارهای تهاجمی نسبت به همسرش دارد و می‌گوید Philphil به‌جای من به همسرم حمله می‌کند. مکالمه صفحه ۶۳ کتاب ۴ بحث و جدل خانم و آقا را به تصویر می‌کشد که همراه با فحش و ناسزاست.

مصرف‌گرایی ارزش فرهنگی شایع دیگری است که حاصل یافته‌های پژوهش در این کتاب‌هاست. این مؤلفه در مواردی از قبیل اسراف در خرید، لباس‌ها، و سفرهای گران‌قیمت به چشم می‌خورد. مثلاً در کتاب ۵ صفحه ۶۰ از خریدن کفش و لباس با قیمت ۴۰ هزار دلار صحبت می‌شود. نمونه دیگر در صفحه ۵۰، خانمی می‌گوید که ای کاش برای پول ازدواج کرده بودم نه به‌خاطر علاقه و می‌گوید زمانی که دخترهایم شروع به قرار ملاقات کنند به آن‌ها می‌گویم که به‌دنبال دوست پسر پولدار باشند. مکالمه صفحه ۱۶ کتاب ۳ بین David و Kate بر سر خریدن وسایلی کاملاً غیرضروری است و متن درک مطلب صفحه ۱۵ کتاب ۲ از رفتن به مدرسه‌ای بسیار گران‌قیمت صحبت می‌کند.

برایند یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل نمونه‌های فرهنگی نشان می‌دهد که این کتب نسبت به استفاده از بعضی از عناصر فرهنگی، که برای آموزش زبان دوم غیرضروری بودند، بی‌طرف نیست. این مجموعه می‌تواند عمدتاً بر آموزش، آداب و رسوم سنتی، تکنولوژی، ورزش، و هنر تمرکز کند، اما در بیش‌تر موارد، حتی زمانی که این موارد استفاده می‌شوند، از نظر فرهنگی مملو از ایده‌ها، تصاویر، یا دیدگاه‌های غربی هستند.

«آموزش» و «ورزش» دو مؤلفه فرهنگی بسیار مهم هستند که در حاشیه به آن‌ها پرداخته شده است. درحالی‌که این دو جنبه را می‌توان برای حل مسائل فرهنگی نامطلوب در این

کتاب‌ها مورد استفاده قرار داد، متأسفانه بسیار محدود به آن‌ها پرداخته شده و به تفصیل شرح داده نشده‌اند. در کل، الگوی کلی فرهنگی این مجموعه کتاب نقاط مختلفی را نشان می‌دهد که قادر به انطباق با ارزش‌های فرهنگی زبان‌آموزان ایرانی نیستند. متأسفانه، بعضی از مسائل مطرح شده در این‌جا را می‌توان حتی دارای تأثیر منفی بر یک‌پارچگی اجتماعی و روانی افراد دانست. به‌طور خلاصه، این مطالعه ادعا می‌کند که یکی از بخش‌های اساسی این مجموعه استفاده از فرهنگ غربی به‌منزله وسیله ارائه زبان مقصد است.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند که این کتب مشحون از ارزش‌های فرهنگی هستند که این امر با نظر زارعی و خالصی (۲۰۱۰)، بحرینی (۲۰۱۳)، و پیشقدم و ذبیحی (۲۰۱۲) هماهنگ است. نتایج پژوهش حاضر و زارعی و خالصی (۲۰۱۰)، که محتوای فرهنگی مجموعه *Interchange Series* را با همان چهارچوب تحلیل کردند، هم‌سو است. آن‌ها گزارش کردند که این مجموعه عناصر بسیار زیاد فرهنگ غرب را نشان می‌دهد و هشدار دادند که اختلاط فرهنگ زبان خارجی با مطالب آموزشی می‌تواند توجیهی برای شکست بعضی از دانش‌آموزان در یادگیری یک زبان خارجی به حساب آید، زیرا ممکن است آن‌ها بخواهند از تحمیل‌های فرهنگی ناخواسته در آن‌جا رها شوند. یافته‌های پژوهش حاضر با بخشی از نتایج بحرینی (۲۰۱۳) هم‌راستا است. بحرینی در تحقیقات خود بر روی کتب *Impact Values* به نتیجه رسید که این کتب حاوی ارزش‌های خاص فرهنگ غربی از جمله مسائل تبعیض‌های جنسیتی، روابط نامشروع دختر و پسر، و مصرف‌گرایی هستند.

پیشقدم و ذبیحی (۲۰۱۲) با اشاره به این‌که متخصصان آموزش زبان انگلیسی در ایران جایگاه واقعی فرهنگ ایرانی را نادیده نمی‌گیرند، بیان کردند که تغییر دیدگاه از پیروی هنجارها و ارزش‌های غربی، که ظاهراً سرلوحه حال حاضر آموزش زبان انگلیسی در ایران است، به افراد اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، و تاریخی، که باید آموزش زبان انگلیسی در آینده در ایران طی کند، را یک امر واجب برای معلمان زبان انگلیسی، مؤلفان، و سیاست‌گذاران ایران برشمردند. همان‌طور که از تحقیقات اخیر در آموزش زبان انگلیسی در ایران روشن می‌شود، ما باید فراتر از وضعیت فعلی، پیش‌رفته و آینده آموزش زبان انگلیسی در ایران را بررسی کنیم و این مهم با تلفیق ویژگی‌های محلی فرهنگ و مذهب ایرانی، که دربردارنده آموزش زبان انگلیسی - ایرانی است، محقق می‌شود. این مفهوم نه تنها نشان‌دهنده مجموعه اطلاعات اسلامی مردم ایران، بلکه به‌منزله بخشی از هویت دینی آنان است، بلکه دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی آن‌ها را نیز نشان می‌دهد. به‌علاوه،

می‌توان این‌گونه استدلال کرد که هرچه زبان‌آموزان بیش‌تر سعی می‌کردند به تسلط کامل بومی مانند بر زبان انگلیسی دست یابند، بیش‌تر از فرهنگ ملی خود بیگانه می‌شدند. این فرهنگ‌ناپذیری، به‌نوبه خود، موجب از بین رفتن هویت زبان‌آموزان می‌شود. این مشکل بالقوه با این واقعیت برجسته شد که غرب هم همراه با «خودمنزوی‌سازی» (self-marginalization) ایرانیان عمل می‌کند، تا هویت ملی، مذهبی، و تاریخی مردم ایران را بیش‌تر تحت اختیار درآورد. پژوهش‌گر حاضر بر آن باور است که یادگیری زبان برای ایرانیان چیزی نیست که بتوان آن را به‌سادگی در کتاب‌های درسی غربی پیدا کرد، بلکه باید کتبی در سطح ملی با خصیصه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی تدوین و تحریر شود که لازمه آن عزم و تلاش ملی است. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود، آنچه در آموزش زبان انگلیسی ایران رخ می‌دهد را بیش‌تر کنترل کنیم. هرچند روش کشورهای غربی بی‌اعتبارکردن دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان و نه معتبرکردن آن‌هاست، پیشرفت آموزش زبان انگلیسی در ایران، یعنی ادعای موفق فرهنگ‌های محلی ایران علیه سلطه فرهنگی و ایدئولوژیکی کشورهای ثروت‌مند و قوی (core countries)، می‌تواند پادزهری در برابر خشونت منزوی‌شدنی باشد که ایرانیان قرن‌ها از آن رنج می‌بردند. بنابراین، بخش مهم بحث محقق حاضر تلاش برای نشان‌دادن نمود ساده ارزش‌های فرهنگ غربی در بافت ایران نبود، بلکه به‌تصویرکشیدن اهمیت مؤلفه‌های فرهنگی غرب در کتب آموزشی است که به‌طور فراگیر در آموزشگاه‌های زبان تدریس می‌شود.

پژوهش‌گر حاضر بر این باور است که فراگیران یک زبان بین‌المللی لازم نیست هنجارهای فرهنگی گویش‌وران بومی آن زبان را ملکه ذهن خود کنند، بلکه هدف از یادگیری یک زبان بین‌المللی توان‌مندکردن زبان‌آموزان برای انتقال ایده‌ها و ارزش‌های فرهنگ خود به دیگران است. بنابراین، معلمان زبان انگلیسی نقش بسیار مهمی در پرورش و صیانت از هویت فرهنگی و ملی دانش‌آموزان دارند (Rezaie and Latifi 2015) و اگر دانش‌آموزان به‌خوبی آموزش نینند، ممکن است فقر فرهنگی به‌وجود آید. معلمان باید بافت را در نظر بگیرند و ادغامی از فرهنگ زبان مقصد و زبان محلی با توجه به نیازها و خواسته‌های زبان‌آموزان ایجاد کنند تا بتوانند توانش بینا فرهنگی را تقویت کنند (Ahmadi Safa and Farahani 2015). معلمان زبان می‌بایستی یک توازن منطقی بین استفاده از فرهنگ در کلاس درس و شکل‌دهی به آن برای تسهیل نیازهای ارتباطی برقرار کنند. اما متأسفانه، معلمان زبان خیلی کم در مورد نحوه آموزش فرهنگ به‌طور رسمی آموزش می‌بینند

(Pishghadam 2011). چراکه هیچ معیار پذیرفته‌شده‌ای برای هدایت معلمان زبان درمورد چگونگی تلفیق زبان و فرهنگ وجود ندارد (Byrd 2007). در نتیجه، به نظر می‌رسد اجماعی در میان معلمان زبان درمورد نوع جنبه‌های فرهنگی، نحوه تلفیق این جنبه‌های فرهنگی با زبان، و نحوه آموزش زبان و فرهنگ به‌روشنی یک‌پارچه وجود ندارد. متأسفانه، درحالی‌که تحقیقات دلایل گنجاندن فرهنگ را به ما ارائه می‌دهند، روش ادغام فرهنگ را به معلمان نمی‌آموزند. علاوه بر این، اطلاعاتی درباره نحوه درک فرهنگ توسط معلمان، نحوه آموزش به آن‌ها و چالش‌ها در برابر آموزش آن وجود ندارد. در نتیجه، مطالعاتی کاربردی در زمینه نحوه تلفیق فرهنگ و زبان به‌همراه روشی یک‌پارچه برای آموزش معلمان زبان در این راستا ضروری به نظر می‌رسد تا معلمان را در این زمینه هوشیار کند (Aghagolzadeh and Davari 2014). پژوهش حاضر بر روی کتبی انجام شد که دربرگیرنده سطوح مقدماتی و کودکان نمی‌شود، در نتیجه تدوین و انتخاب کتب آموزشی برای کودکان، که تأثیرپذیری‌شان بیش‌تر و قدرت استدلالشان کم‌تر است، بسیار مهم جلوه می‌کند که به‌نوبه خود مستلزم پژوهش‌های دیگری است.

کتاب‌نامه

- Abrate, Jayne (1995), *Integrating Minitel and French Culture in the Classroom*, Lincolnwood, IL: National Textbook Company.
- Aghagolzadeh, Ferdows and Hossein Davari (2014), "Globalization and Spread of English Language: Necessities & Requirements of Adopting a Critical Approach to English language in Iran", *Strategy for Culture*, vol. 7.
- Ahmadisafa, Mohammad and Mojtaba Farahani (2015), "Iranian EFL Teachers' Perspectives about Prospect one's Intercultural Competence Development", *Critical Studies in Text and Programs of Human Science*, vol. 15, no. 36.
- Aleptkin, Cem (2002), "Towards Intercultural Communicative Competence in ELT", *ELT Journal*, vol. 56, no. 1.
- Al-Faruqi, Isma'il R. (1986), *Toward Islāmic English*, India: IIIT, International Institute of Islamic Thought.
- Allen, Wendy (1985), "Toward Cultural Proficiency", in: A. O. Hadley (ed.), *Proficiency, Curriculum, Articulation: The Ties that Bind. Reports of the Northeast Conference on the Teaching of Foreign Languages*, London: Routledge.
- Argungu, Dahiru Muhammad (2002), "English, Muslims, and Islamization: Between Needs and Deeds", *TESOL Islamia*, vol. 4, no. 2.
- Bahrainy, Nasrin (2013), "An Analysis of Cultural Values in EL Textbooks", *Strategy for Culture*, vol. 32.

- Brogger, Fredrik Christian (1992), *Culture, Language, Text*, Oslo: Scandinavian University Press.
- Brown, H. Douglas (1994), *Principles of Language Learning and Teaching*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall Regents.
- Brutt-Griffler, Janina (2002), *World English: A Study of its Development*, Clevedon: Multilingual Matters.
- Byram, Michael (1997), *Teaching and Assessing Intercultural Communicative Competence*, Clevedon: Multilingual Matters.
- Byram, Michael, Bella Gribkova, and Hugh Starkey (2002), *Developing the Intercultural Dimension in Language Teaching: A Practical Introduction for Teachers*, Strasbourg: Council of Europe.
- Byrd, David Ray (2007), *Investigating how Second Language Teachers are Prepared to Teach Culture: An Analysis of Methods Course Syllabi* (Unpublished Doctoral Dissertation), University of Iowa, Iowa.
- Canagarajah, A. Suresh (1999), "On EFL Teachers, Awareness, and Agency", *ELT Journal*, vol. 53, no. 3.
- Cortazzi, Martin and Lixian Jin (1999), *Cultural Mirrors: Materials and Methods in the EFL Classroom*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Da Silva, Tomaz Tadeu (1999), "The Poetics and Politics of Curriculum as Representation", *Pedagogy, Culture & Society*, vol. 7, no. 1.
- Derbel, Faiza and Anne Richards (2007), "Infusing a Postcolonial Component into English Language Teacher Education Curricula for a Global Century", *Radical Pedagogy*, vol. 9, no. 1, Retrieved in Octobr 2016: <<http://www.radicalpedagogy.org>>.
- Fairelough, Norman (1989), *Language and Power*, Essex: Blackwell.
- Halliday, Michael AK (1978), *Language as Social Semiotics*, London: Edward Arnold.
- Halliday, Michael AK (1985), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.
- Kramsch, Claire (1995), "Embracing Conflict Versus Achieving Consensus in Foreign Language Education", *ADFL Bulletin*, vol. 26, no. 3.
- Latham-Koenig, Christina, Clive Oxenden, and Mike Boyle (2013), *American English File*, Oxford: Oxford University Press.
- McKay, Sandra Lee (2004), "Western Culture and the Teaching of English as an International Language", *English Teaching Forum*, vol. 13, no. 2.
- Moughrabi, Fouad (2001), "The Politics of Palestinian Textbooks", *The Journal of Palestinian Studies*, vol. 31, no. 1.
- Nault, Derrick (2006), "Going Global: Rethinking Culture Teaching in ELT Contexts", *Language, Culture and Curriculum*, vol. 19, no. 3.
- Peskett, Debbie (2001), "Citizenship and Education. A Critical Discourse Analysis of the Current Labour Government's Initial Guidance to Schools on the Introduction of Citizenship Education", in: *51st Political Studies Association Conference*, Manchester, UK.
- Peterson, Elizabeth and Bronwyn Coltrane (2003), "Culture in Second Language Teaching", *CAL Digest*, vol. 3, no. 9.

- Phillipson, Robert (2009), *Linguistic Imperialism Continued*, NY & London: Routledge.
- Pishghadam, Reza (2011), "Introducing Applied ELT as a New Approach in Second/ Foreign Language Studies", *Iranian EFL Journal*, vol. 7, no. 2.
- Pishghadam, Reza and Elham Naji (2012), "Applied ELT as a Panacea for Linguistic Imperialism", *Iranian EFL Journal*, vol. 8, no. 1.
- Pishghadam, Reza and Fahimeh Saboor (2011), "A Qualitative Analysis of ELT in the Language Institutes of Iran in the Light of the Theory of 'World Englishes'", *Journal of Language Teaching and Research*, vol. 2.
- Pishghadam, Reza and Reza Zabihi (2012), "Life Syllabus: A New Research Agenda in English Language Teaching", *Perspectives*, vol. 19.
- Rezaei, Saeed and Ashkan Latifi (2015), "Investigating the Cultural and Identity Parameters in the Seventh Grade English Language Textbook (Prospect 1)", *Critical Studies in Text and Programs of Human Science*, vol. 15, no. 36.
- Sharifian, Farzad and Gary B. Palmer (2007), *Applied Cultural Linguistics: An Emerging Paradigm*, Philadelphia: John Benjamins Publishing.
- Shaw, Peter (1992), "Cooperative Learning in Graduate Programs for Language Teacher Preparation", in: C. Kessler (ed.), *Cooperative Language Learning a Teacher's Resource Book*, Englewood Cliffs: Prentice Hall Regents.
- Shin, Jeeyoung, Zohreh R. Eslami, and Wen-Chun Chen (2011), "Presentation of Local and International Culture in International English Language Teaching Textbooks", *Language, Culture, and Curriculum*, vol. 24.
- Smith, Barbara (1983), *Language Teaching Projects for the Third World*, Oxford, UK: Pergamon Press.
- Starkey, Hugh (1999), "Foreign Language Teaching to Adults: Implicit and Explicit Political Education", *Oxford Review of Education*, vol. 25.
- Tajeddin, Zia and Shohreh Teimournezhad (2015), "Exploring the Hidden Agenda in the Representation of Culture in International and Localised ELT Textbooks", *The Language Learning Journal*, vol. 43.
- Van Dijk, Teun (2001), "Critical Discourse Analysis", in: D. Tannen, D. Schiffrin, and H. Hamilton (eds.), *The Handbook Of Discourse Analysis*, Oxford: Blackwell.
- Wilkes, Helen (1983), "Pages: A Simple Device for Cultural Consciousness-Raising in the Teenaged Student of French", *Foreign Language Annals*, vol. 16, no. 2.
- Williams, Raymond (1983), *Keywords: A Vocabulary of Culture and Society*, New York: Oxford University Prsss.
- Wilson, John (1993), "Discourse Marking and Accounts of Violence in Northern Ireland", *Text*, vol. 13, no. 3.
- Zarei, Gholam Reza and Mahmood Khalessi (2011), "Cultural Load in English Language Textbooks: An Analysis of Interchange Series", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, vol. 15, no. 3.